

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مهرنوش شفیعی

۱۲ جون ۲۰۲۰

## آیا همه گیری کرونا اجتناب ناپذیر بود؟

سرمایه داری در جای کار ایستاده است؟



پرداختن به چگونگی پیدایش و فعال شدن روز افزون همه گیری های کشنده ، چرانی کمبود امکانات درمانی در این دنیای سرشار از کالا های لوکس و ملیتاریستی، از دست رفتن جان انسانهای بی شمار و عمدتاً از طبقات محروم و به قول مارک دیویس «انسان مازاد»، برای درک وضعیت موجود ضروری است . آیا وقوع این وضعیت اجتناب ناپذیر بوده است؟ و آیا مجموعه دانش تا به حال موجود بشری امکان این را داده است که وضعیت دیگری برای انسان این دوران تصور شود ؟

چندی پیش بازار ووهان چین که به نظر می رسد مرکز شیوع ویروس کووید ۱۹ باشد تعطیل شد . هم زمان با شیوع کرونا در جهان، نسخه اینترنتی فیلم شیوع (Contagion) یک فلم امریکائی در ژانر فاجعه ای مهیج، به کارگردانی استیون سودربرگ که در سال ۲۰۱۱ ساخته شده بود و شباهت های بسیاری با دوران شیوع کووید ۱۹

دارد مورد توجه مردم جهان قرار گرفت. سودر برگ در ساختن این فلم از مشاوره ویروس شناسان و اپیدمیولوژیست های زمان خود بهره مند بود. روزنامه گاردین در همانسال یعنی ۲۰۱۱ می نویسد:

«با صدور هشدارهای جدید ملل متحد و فلم شیوع هالیوود، نگرانی های ما برانگیخته شد، آنفولانزای مرغی دوباره در خیرها قرار دارد. با مردی آشنا شدیم که ۵۰ سال پیش برای اولین بار در مورد همه گیری هشدار داده و همچنان نگران است. دکتر رابرت وبستر، میکروب شناس، متخصص برجسته جهان در مورد آنفولانزای مرغی» (۱) رابرت وبستر که تحقیقات زیادی در رابطه با ویروس آنفلوانزا، جهش و تغییراتش و چگونگی انتقال ویروس ها از حیوان به انسان انجام داده است در مقالات و کتاب ها و کنفرانس های متعدد خطر همه گیری کشنده از انواع ویروس آنفلوانزا و در سال های اخیر پدیداری انواع دیگری از ویروس های بسیار کشنده را هشدار داده است و به صورت مختلف این سؤال را پیش کشیده است:

«سوال اساسی این است که جهان تا چه اندازه برای همه گیری اجتناب ناپذیر آینده آماده است؟» (۲)

سال ۱۹۹۷ ویروس آنفلوانزا یک خطر جانی در جهان اعلام شد، مارگارت چان که در آن زمان رئیس سازمان بهداشت هانگ کانگ بود دستور بستن بازارهای مرطوب و کشتار انبوه پرندگان را داد که به نظر می رسید مرکز شیوع این ویروس باشد. ولی دوباره در سال ۲۰۰۳ در تایلند و ویتنام و همچنین در سالهای ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹ و .. در مناطق دیگر شاهد شیوع همان ویروس و یا جهش یافته آن بوده ایم. جمع کردن بازارهای ووهان در چین نه این که بد باشد ولی بیشتر از آن که اقدامی واقعی در جهت مقابله با شیوع ویروس باشد، سناریوی تکراری و استتار بستر واقعی وقوع این فجایع است.

طی چند دهه اخیر، صدها میکروب مسبب بیماری در مناطقی که قبلاً هرگز نبوده اند ظاهر شده اند یا دوبار زنده شده اند. از جمله می توان به ابولا در غرب افریقا، زیکا در قاره های امریکا، اچ.آی.وی و تعداد زیادی از ویروس های جدید از نوع کرونا اشاره کرد. منشای برخی از آنها از حیوانات اهلی و دام است. ولی بیش از دو سوم، از حیوانات وحشی ناشی می شوند. ویرانی محیط زیست، از بین رفتن جنگل ها و حتی گیاهانی که به طور تاریخی برای تهیه دارو از آنها استفاده می کردیم. آسیب زدن به تنوع زیست و نابودی فزاینده فضای زندگی حیوانات وحشی باقی مانده، گونه های مختلف حیوانات را که برای بقای خود می جنگند مجبور می کند تا در فضای زندگی فشرده تر و مضطرب، تلنبار شده بر هم و در تماس و نزدیکی بیشتری با شهرک های زیستی انسان ها قرار بگیرند. این نوع تماس است که به میکروب هائی که در بدن آنها زندگی می کنند اجازه می دهد تا به بدن ما منتقل شوند و از میکروب های بی ضرر برای حیوانات به پاتوژن های کشنده انسان تبدیل می شوند. (۳)

به این شرایط پدیده شهرک های فقیر و عاری از امکانات بهداشتی کارگران ارزان قیمت و دیگر تهیدستان را که در حاشیه شهرها و زمین هائی که فضای تحرک حیوانات بوده، باید افزود تا تصویر واقعی تری از این فشردگی موجودات زنده سیاره مان در دست داشت.

البته که نظم حاکم تمایلی به طرح این مباحثات ندارد و تلاش می کند تا وضعیت موجود را اجتناب ناپذیر نشان دهد و یا برای رهاندن خود از پاسخ گویی به رنج و فلاکتی که بر انسانها وارد کرده به تئوری توطئه متوسل شود. مثلاً «سلاح های زیستی» و یا طرح جهانی برای ممانعت از مهاجرت و نیز حرف های نژاد پرستانه ای که در مورد چینی ها زده می شود و البته انتقام خدا از دنیای بی ایمان.

تمامی نظرات و تبلیغاتی که همه گیری جهانی را به نیروئی خارج از سوخت و ساز نظم سرمایه رجوع می دهند و در علل پیدایش آن به واقعیت فجایع زیست محیطی که ماحصل این سیستم جهانی است، نمی پردازند یا حاکمان جهانند و یا اگر مستقیماً دستی در قدرت ندارند به جرأت می توان گفت آگاهانه و یا ناآگاهانه در حفظ نظم موجود سهیم می شوند. ولی آنچه شگفت انگیز است مواجه شدن با نظریه پردازانی است که آنچنان در فلسفه ورزی شناور شده اند که گوئی واقعیت موجود زندگی را فراموش کرده اند. از جمله می توان به نظریه پرداز چپ نو، جورجیو آگامبن اشاره کرد که تحت عنوان « ابداع یک اپیدمی» می نویسد:

«این واکنش نامتناسب به چیزی که، به استناد شورای تحقیقات ملی CNR تفاوت چشمگیری با آنفولانزاهای معمولی که هر سال به آنها دچار می شویم ندارد کاملاً آشکار و رسوا است. گویا دیگر با به اتمام رسیدن تاریخ مصرف تروریسم به عنوان مستمسکی برای اقدامات استثنائی، ابداع یک بیماری همهگیر بهانه ایدئالی به دست [دولت ها] داد تا آن اقدامات استثنائی را ورای هر محدودیتی بسط دهند.» (۴) آگامبن مرگ بیش از نیم میلیون انسان در فاصله چند ماه بر اثر شیوع این بیماری را نادیده می گیرد. اصلاً واقعی بودن یک همه گیری کشنده را انکار می کند. می نویسد:

«حاکمان تمایل روز افزون به بهره گیری از وضعیت اضطراری به منزله پارادایم حکمرانی دارند» (۴) تا آنجائی که تمایل حاکمان به بهره وری از «وضعیت اضطراری» را مطرح می کند می توان با آن موافق بود ولی باید بین علل وقوع یک وضعیت اضطراری و بهره وری از آن فرق گذاشت. علل وقوع این اضطرار از سوخت و ساز سرمایه بر می خیزد. بسته بندی کردن کل ماجرا در پاکت ابداع اپیدمی یا ایجاد وضعیت استثنائی کمک به استتار دلایل واقعی وضعیت موجود است.

SARS-COV-2 که بیماری کووید ۱۹ را باعث شده از خانواده ویروس کرونا است که قبلاً بیماری سارس سال ۲۰۰۳ و مرس ۲۰۱۲ را باعث شدند (۵). تلاشهایی که برای تهیه واکسین سارس انجام شده بود همزمان با مهار شدن این بیماری در آن سالها متوقف شد. از همان سال ها محققان این عرصه مرتباً، قریب الوقوع بودن یک همه گیری کشنده را هشدار می دادند. متأخرترین هشدار را می توان در سایت سازمان بهداشت جهانی تحت نام بیماری ایکس مشاهده کرد. ۲۰۱۸.

این هشدارها نه از طرف یک یا دو ویروس شناس در گوشه ای از دنیا، بلکه حداقل در چند دهه اخیر به طور فزاینده و گسترده ای مطرح شده است. امروزه ارتباط و درهم تنیدگی ویرانی سیاره محل زیست مان و شیوع بیماری های ویروسی کشنده جزء دانش روزگارمان محسوب می شود.

مشکل اصلی این است که سیستم جهانی سرمایه نه تنها با تحت فشار گذاشتن محیط زیست حیوانات و تخریب اکوسیستم باعث تحول این گونه ویروس ها به خطرکشنده برای توده های وسیع انسانها شده است، بلکه بنا بر طبیعت خود بر انباشت سود و البته سود سریع، آماده بوده و هست که برای تولید و توسعه تجهیزات جنگی و امثالهم سرمایه گذاری های نجومی داشته باشد ولی حاضر به تأمین مالی پژوهشهای بیشتر و آماده سازی جامعه برای چنین فجایعی نیست و مسابقه کشف واکسین هم در دوران کنونی از همان شکار سود در بازار پر تقاضای کنونی بر می خیزد و گرنه سرنوشت واکسین کووید ۱۹ هم مانند واکسین سارس خواهد بود، خلاصه کلام تا زمانی که این سیستم پابر جا است درب بر همان پاشنه می چرخد و چنانچه به محققان این عرصه توجه نشان دهیم متأسفانه دوران های همه گیری های کشنده به دلیل میکروب های جدیداً جهش یافته به طور روزافزونی در چشم انداز است. (۶)

سپردن همه عرصه های زندگی انسان به دست سود و سرمایه و بازار، چندین دهه به تاراج بردن حداقل های به دست آمده امکانات اجتماعی از جمله سلامت و درمان و دارو به دست بازار هم یکی دیگر از فاکتورهائی است که در این دوران بحرانی انسانهای بیشماری را با چشمان بهت زده بدون دسترسی به امکان مراقبت و کمک درمانی رها کرد.

اگر سیاست های سود سروقت و حداکثری «Just in time» را هم اضافه کنیم می بینیم که چگونه تمامی امکانات دارویی و درمانی، غذایی و حفاظتی که برای حفظ و مراقبت انسان ها در فجایع احتمالی در انبارهای کشورهای مختلف در نظر گرفته شده بود یا قرار بود که باشد به علت عدم سود دهی و مخارج انبارداری و غیره در چند دهه اخیر از بین رفتند.

با نظر آن بدیو نمی شود توافق داشت وقتی می نویسد «اما این نکته هم حقیقت دارد که شاید جز شمار معدودی از دانشمندان، هیچکس دیگر ظهور این نوع از یک بیماری همهگیر را در فرانسه پیش بینی نکرده یا حتی متصور نشده بود...» و ادامه می دهد «در این بین، بدون شک چپگراها یا واسکتهای زرد یا حتی فعالان اتحادیه های کارگری نیز هیچ حق به خصوصی برای سخنرانی و موعظه در این مورد و ادامه جاروجنجالها درباره مکررون، این هدف ناچیز و بی ارزششان در چند صباح اخیر، ندارند. چرا که آنان هم مطلقاً نتوانستند چنین روزهایی را پیش بینی کنند.» (۷)

صرف نظر از این که با اتحادیه های کارگری موجود و یا چپگراها و ... در فرانسه توافق نظری داشته یا نداشته باشیم، تبریئه مکررون و دولت سرمایه از جانب بدیو در این نوشته، بسیار سوال برانگیز است، دولتی که به مانند دولتهای قبلی تمامی امکانات مالی، دستگاههای عریض و طویل تحقیقی و ... را در اختیار دارد و در تخریب محیط زیست و بی توجهی به هشدارهای محققان در رابطه با قریب الوقوع بودن همه گیری کشنده، همچون دیگر دولت های سیستم جهانی سهیم بوده است و تن به آماده سازی جامعه در مقابل این فاجعه نداده است. در مقابل، بدیو مردمانی را که اکثریت شان دسترسی به امکانات قدرت و دولت ندارند محکوم می کند و حتی حق اعتراض آنان را به رسمیت نمی شناسد زیرا آنان نیز وقوع حادثه را پیش بینی نکرده بودند!؟

### سخن آخر

ویرانی زیست محیطی و ارتباط تنگاتنگ آن با افزایش و پیدایش همه گیری های ویروسی، نه به مثابه بحران های نامربوط به ساختار، بلکه حاصل روابط تولیدی سرمایه داری هستند. نباید بر بخشی از عملکرد این سیستم چشم پوشید. به ویژه در این دوران، که ما از دانش مستند شده در این رابطه برخورداریم و همچنان توالی بحران های کشنده و همه گیر در چشم انداز است.

در این نوشته فرصت نکردم که به پی آمدهای اقتصادی و دیگر جوانب این دوران با استناد به آمار بپردازم ولی گسترش بیکاری و فقر و گرسنگی توده های وسیعتر از همین حالا در سطح جهانی قابل رؤیت است. یقیناً که دوران سخت تری در پیش خواهد بود. برای ما و فرزندمان غم نان، رقابت در استخدام و عرضه خود برای فروش، بیش از پیش به نیاز زندگی تبدیل می شود. حاکمان دنیا از همین حالا برای جراحی های بزرگ اقتصادی و سیاسی تدارک می بینند. دستگاه های پر تجربه و سرشار از امکانات طبقه حاکم نیز در تلاش بی وقفه بر شکل دادن باورها و سپهر ذهنی ما و راهبری آن هستند.

در پی تعمیق بحران اقتصادی و در تقابل با وضعیت تیره و تار کنونی آنچه روزنه امید است گسترش جنبش های اجتماعی است. در این دوران چهره واقعی سرمایه داری برای توده بیشتری از انسان ها به واقعیتی عریان و قابل رؤیت تبدیل شده است. تجربه انسان نا برخوردار از محافظت و مراقبت و رها شده در ناگواری ها و فجایع و واقعیت هم ساز نبودن منافع اکثریت مردم با اقلیت برخوردار برای بخش وسیعتری عینی شده است. حباب ادعاهای سرمایه داری موفق

ضربه دیده و آسیب پذیری سیستم عیان تر شده است. همزمان نیروی کار نظاره گر سنگینی وزن خود در هنگام باز ایستادن چرخ های تولید بوده است.

البته که این آگاهی عینی ولی محدود می تواند در خیزش های آتی تعمیق و گسترش یابد یا در چنبره شرایط نامساعد به انبار حافظه غیر فعال بپیوندد. آنچه که تعیین کننده است افق ضد سرمایه و نقش آلترناتیو سوسیالیستی در این جنبش هاست.

- هفتم جون ۲۰۲۰

منابع:

1 – The Guardian, Robert Webster

<https://www.theguardian.com/world/2011/sep/17/bird-flu-swine-flu-warning>

2\_ Flu Hunter: Unlocking the Secrets of a Virus, Robert Webster

<https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC6759242>

3\_ Sonia Shah, Le Monde diplomatique

<https://mondediplo.com/2020/03/05/coronavirus>

نظرات جورجیو آگامبن و دیگران در دو سایت زیر قابل دسترسی است ۴\_

[وضعیت استثنائی کرونائی](#)

[ویروس کرونا و فلاسفه](#)

<https://www.nejm.org/doi/full/10.1056/NEJMoa2001017> ۵\_

6\_ <http://www.ipsnews.net/2020/04/covid-19-stimulus-measures-must-save-lives-protect-livelihoods-safeguard-nature-reduce-risk-future-pandemics/>

۷\_ مقاله الن بدیو در سایت تز یازدهم قابل دسترسی است

<http://www.thesis11.com/Article.aspx?Id=6498>